



آیا معصوم بودن

پیشوایان

افتخار است؟

آیا با این وسائل راحت

باز نماز را در سفر

شکسته بخوانیم؟

سؤال نخستین :

یکی از خوانندگان گرام، سؤال میکند :
 عصمت نیروی مرموزی است که به انسان در برابر
 هر نوع گناه و انحراف و خطا مصونیت می بخشد ،
 بنابراین يك چنین افراد با توجه باین نیروی نهفته ،
 قادر به گناه نیستند ، و سرانجام پاکی و قدسات آنان
 اقتضای نخواهد بود .

پاسخ : مصونیت پیامبران در برابر گناه ،
 هرگز يك مصونیت غیر ارادی ، و غیر اختیاری
 نیست بلکه عصمت آنان از گناه كاملاً يك حالت
 ارادی و اختیاری است که سرچشمه آن علم و ایمان
 است .

توضیح اینست که : عصمت و مصونیت در برابر
 گناه ، از شئون و لوازم علم و ایمان بمعنای گناه است
 البته این مطلب نه به این معنی است که هر نوع
 علم به لوازم گناه پدید آورنده مصونیت و عصمت
 می باشد بلکه باید واقع نمائی علم بقدری شدید و
 نیرومند باشد که لوازم و آثار گناه آنچنان در نظر
 وی محسوس و روشن گردد که آنها را با دیده دل موجود
 و محقق ببیند ، و در این موقع صدور گناه ادوی بصورت
 يك «مجال عادی» و نه «مجال عقلی» در می آید
 برای روشن شدن این حقیقت به مثال زیر توجه
 فرمائید :

هر يك از ما در برابر يك سلسله اعمال خارجی
 که بقیه جهان ماقام میشود بگونه عصمت و مصونیت
 داریم و این نوع مصونیت را ندیده علم ما به لوازم
 اینگونه اعمال است .

مثلاً دو کشور متخاصم که با یکدیگر هم مرز
 میباشند و سر بازان هر دو طرف بفاصله های کوتاهی
 بوسیله دوربینهای قوی و نورافکنهای نیرومند و
 سگهای کار آزموده ، مراقب اوضاع و امور مرزی و
 بالاخص عبور افراد بطرف دیگر میباشند به طوریکه

يك گام تجاوز از خطوط مرزی باعث مرگي كشته شدن قطعی افرادی گردد در این صورت هیچ انسان عاقلی فكر عبور از آنچنان مرزی را در مغز خود نمی پرورداند تا چرند که عملا به آن اقدام کند بنا بر این نسبت باین عمل یکنوع عصمت دارد .

راه دورتر و هم فر فر دعاقل و خردمندی در برابر زهر کشنده ای که نوشیدن آن بقیمت جان اوت تمام می شود و یا سیم نخت برق که تماس با آن انسان را خشك و سیاه می سازد و یا باقیمانده غذای بیمار مبتلا بمرض جذام و دسله با علم باینکه خوردن آن موجب سرایت بیماریهای مزبور می گردد یکنوع مصونیت و عصمت دارد یعنی هرگز بویج قیمت این اعمال را انجام نمی دهد و صدور این اعمال از وی يك محال عادی می باشد و علت این مصونیت عینی نجسم لوازم این اعمال است و این لوازم آن چنان در نظر وی جسم و محقق و ناظر دیده عقل آنچنان مسلم و موجود می باشد که در پرتو آن فكر اقدام به چنین کارها را در مغز خود نمی پرورداند ناچه رسد که عملا باین کار اقدام نماید .

ما ملاحظه می کنیم که برخی از افراد از خوردن مال بیهیمینوا ، کوچکترین پروائی ندارند و اول در مقابل گروهی از خوردن دیناری از حرام امتناع می ورزند چرا اولی با کمال برپروائی مال بیهیمینوایان راجیف و میل میکند ، ولی دومی از کوچکترین تصرف خودداری مینماید علت آن این است که شخص اول با اساسا متقدم بلوا از مومنان این نوع نافرمانی نیست و یا اگر هم ایمان و اعتقاد سببی داشته باشد علاقه به مادیات آنچنان حجاب غلیظی بسپاندیده

دل او و وقت شو باین عدله وجود آورده است که از این آثار جرحشی در برابر دیده خرد او چیزی متکسر نیست ولی دومی آنچنان ایمان قوی تر و منته به آنرا باین گناه دارد که هر قطعه ای از مال بنیم در غر او ، با قطعهای از آتش مساوی و برابر است و هیچ عاقل و خردمندی بخوردن آتش اقدام نمیکند زیرا او با دیده علم و بصیرت می بیند که چگونه این اموال با نشهای سوزنده ، تبدیل می گردد و روی این اصل در برابر عمل مصونیت پیدا میکند .

قرآن کریم درباره کسانی که طلاق و نکره را بصورت گنج در می آورند و بدون اینکه حق را واجب آنرا در راه خدا بپردازند ، میگوید : این ناله های گرانهاد روز ستاخیز بصورت توده آتش در آسمه پشانی و پهلو و پشت دارند کان گنج را ، با آن داغ می کنند (۱) اکنون اگر برخی از مردم کان گنج : این منظره را بآیدگان خود مشاهده کنند و به بینند که چگونه همکاران آنها به کثیر اعمال خود دست نه سستی اختیار نمود که اگر شما نیز ثروت خود را به صورت گنج نگاه دارید هم اکنون به همین سر نوشت دچار می شوید مسلما وقتی خود را تغییر می دهند .

گاهی برخی از افراد در همین جهان بدون مشاهده منظره کبیر الهی آن چنان بفرار از آیه این دنیا پیدا می کنند که اثر آن کمتر از شهود آن می باشد تا آنجا که اگر پرده های دنیوی از آیدند گناه آنها پر داشته شود تفاوتی در ایمان آنها ، بوجود نمی آید در چنین صورت این فرد در برابر این گناه (ذخیره کردن طلا و نقره) یکنوع مصونیت پیدا میکند .

۲ - بویحتمی علیهاد نار جهنم مشکویها جباهم و جنوهم و ظهورهم علما کمتر از لاشمک فذوقا ساکنم نکوزون (توبه ۳۵)

حال اگر يك فرد یا گروهی نسبت بکبیر تمام ماسی ، يك چنین حالتی پیدا کنند و قهر و خشم و کبیر الهی آنچنان بر آنها روشن شود که ارتفاع حجاب و از بین رفتن فواصل زمانی و مکانی کوچکترین اثری در ایمان و اعتقاد آنان نگذارد در چنین صورت این فرد یا آن گروه در برابر تمام ماسی ، يك نحوه مصونیت و عصمت سفورسد پیدا می کنند نه تنها گناه از آنان سر میزند بلکه بکسر گناه نیز نمی افتند .

چهار این عصمت در این موارد ارمیتیم ایمان و علم فاطم بکبیر اعمال می باشد هر فردی يك نوع عصمت در برخی از موارد دارد چیزی که حسرت پیامبران بر اثر احاطه علمی بکبیر قطعی اعمال و آگاهی کامل از عظمت خداوند در برابر تمام گناهان ، عصمت جامع و کامل دارند . و روی همین علم تمام روانی گناه و فرائض رکنی انسانی در آنها مهلا شده و لحظه ای از مرزهایی که از طرف خداوند تعیین شده است ، تجاوز نمیکنند .

این همان مقام شاخ عصمت و مصونیت از گناه است که پیامبران و اولیایان آن را حاکم و سر چشمه اصلی آن ایام آنها ، علم و دانش آنها ، تسلط بر نفس و هستی و الا فکر بلند آنها است . آیا این مصونیت فشیات نیست ؟ آیا آنها نمی توانند مرتکب گناه شوند ؟ بهیچراست آنها می توانند و قدرت دارند اما هرگز از این قدرت خود استفاده نمیکنند .

این يك شخصیت برجسته می تواند برای دیدن يك آفتاب از دیدن بار خانه مردم بالا دوغولی هرگز این کار را انجام نمی دهد . يك طبیب مینماید آب ملو از منکر بهای خفه ناکند بخورد ، اما نمی خورد ، در عین حال این افراد اما از انجام اعمال هر روز عاجز هستند (۱)

سؤال دوم آقای دکتر سید محمد حسینی

۱ - برای توضیح بیشتر به کتاب دهران بر دلوس و ولینهای برزگتره مراجعه شود .

روحانی مینویسند : با تسهيلاتی که امروز برای مسافرت انجام گرفته است با زیادید مسافرت خود را شکسته بخوانیم و روزه خود را شکستیم با اینکه این حکم هر بود به شرط خاص مسافرت با وسائل گذرد و در هشت قدیم می باشد ؟

پاسخ : میدانیم احکام اسلام بدفای يك سلسله فلسفه و مصالحی است که تفریع آن حکم را ایجاد میکند ، مثلا در مورد سؤال ، فلسفه کوتاه کردن نماز و افطار در سفر این است که همواره سفر ملازم با يك سلسله رنج و زحمت است زیرا مسافرت معمولا بهمزدن يك زندگی عادی است که انسان با آن انس و خو گرفته است . يك چنین تحول خالی از يك سلسله رنج و زحمت و محدودیت نخواهد بود . و خواهنا خواه بر نامه غذای و استراحت و سایر جهات زندگی دیگرگون می گردد .

درست است که امروز تسهيلاتی در باره وسائل مسافرت در سفر ، بوجود آمده است ولی با این همه ، هرگز زندگی در سفر با آن زندگی در خانه نیست و آن شرایطی که برای انسان ، در محل خود فراهم است ، در بیرون شهر فراهم نیست بنا بر این بارها مقابله با این دو بیکدیگر مشکلات هر محسوس است ، گذشته از این امروز شاید چهارم مردم روی زمین ، در دهات و روستاها زندگی میکنند که مسافرت در آن نقاط مشقت و روان داد و تحریف نماز و شکستن روزه برای آنان يك نوع ارفاق به شمار می رود ، این راهم میدانیم که بسیاری از احکام از جمله کوتاه نمودن نماز و خوردن روزه يك حکم کلی است که به منظور ارفاق به نوع مردم تشریح شده است و اگر در موارد جزئی و نادری مسافرت ، دارای هیچگونه مشقت و زحمت نباشد ، موجب تغییر و دیگرگونی حکم کلی نمی گردد .